

بررسی و نقد کتاب تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه

علی یحیائی*

چکیده

کتاب تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه اثر صادق حجتی گزارشی مفصل و نسبتاً روان و پخته از تاریخ ایران و جهان اسلام در زمانه اوج تمدن اسلامی است که بسیاری از پژوهش‌گران به دلایل دیربایی و عرب‌زبان بودن منابع به آن دوره نمی‌پردازند. نویسنده کتاب را در دو بخش تاریخ سیاسی (شامل ده فصل) و فرهنگ و تمدن (شامل پنج فصل) به گونه‌ای شایسته سازمان داده و اثری قابل قبول پدید آورده است. اما غفلت از برخی منابع متقدم و پژوهش‌های جدید، نپرداختن به برخی از مسائل مهم مانند سیاست مذهبی، و بخشی از زوایای دیگر مناسبات خارجی و برخی مشکلات فصل‌بندی یا اشکال در ارجاعات در بسیاری از پاراگراف‌ها، اغلاط مختلف در نگارش، و برخی داوری‌های نارسا و احیاناً نادرست تاحدی به کتاب آسیب رسانده است. در این مقاله، به جنبه‌های مثبت و منفی این کتاب پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران، تمدن اسلامی.

۱. مقدمه

تاریخ تحولات سده‌های اولیه سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه اوج شکوفایی تمدن اسلامی در سده‌های چهارم و پنجم هجری/دهم و یازدهم میلادی (و مقارن با حکومت‌هایی مانند سامانیان (۲۵۱-۳۹۰ ق) و آل بویه (۳۲۲-۴۴۸ ق) که این شکوفایی در زمان آنان بیش‌تر

* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه حکیم سبزواری، a.yahyaei@hsu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

متبلور شد) به دلیل تأثیری که این دوره از تاریخ ایران و جهان اسلام بر دنیا داشته و تأثیری که پذیرفته همواره مورد توجه پژوهش‌گران ایرانی و غیرایرانی بوده است. مطالعات مربوط به تمدن اسلامی با کتاب‌هایی هم‌چون *رسانس اسلامی یا تمدن اسلامی در قرن چهارم* هجری از آدام متز (A. Mez 1917-1968)، خاورشناس آلمانی، در آغاز قرن بیستم و مطالعات مربوط به آل بویه با تصحیح و انتشار کتاب *تجارب الامم مسکویه* و ذیل آن توسط هنری فردریک آمدروز (H. F. Amed) و مارگیلوث (D. S. Margoliouth؛ لیدن ۱۹۰۹ و قاهره ۱۹۱۳-۱۹۱۵) و مقالات ولادیمیر مینورسکی (V. F. Minorsky؛ ترجمه فارسی ۱۳۴۶) شروع شد، اما به گفته باسورث (C. E. Bosworth) و جان دانهو (J. Donohue) به دلایلی مانند تأثیرپذیری پژوهش‌گران از نگاه منفی منابع مکتوب به آل بویه و شیعی و ایرانی بودن این حکومت یا کمبود منابع و عربی بودن زبان اکثر آن‌ها در مقایسه با سایر ادوار تاریخ ایران مورد توجه واقع نشد (بنگرید به یحیائی ۱۳۸۹ الف: ۶۸). در ایران توجه به آل بویه در درجه اول مرهون تلاش‌های علی اصغر فقیهی (۱۲۹۲-۱۳۸۲ ش) بوده است. او با تسلطی که بر منابع عربی داشته چند کتاب مانند *آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم آن عصر* (۱۳۵۷) را به‌طور ویژه درباره آنان به نگارش درآورده است. اما این کتاب‌ها چندان روش‌مند نبودند. قبل و بعد از او نیز پژوهش‌گران دیگری نیز مانند عباس اقبال (۱۲۷۵-۱۳۳۴ ش) در *تاریخ مفصل ایران*، عباس پرویز (۱۲۸۶-۱۳۶۶ ش) در *تاریخ دیالمه و غزنویان*، زرین کوب در کتاب *تاریخ مردم ایران بعد از اسلام و ترکمنی آذر* در کتاب *دیلمیان در گستره تاریخ* (۱۳۸۴) به آل بویه به‌عنوان یکی از حکومت‌های محلی ایران پرداختند. چند کتاب و مقاله هم به فارسی ترجمه شد که مهم‌ترین آن‌ها مقاله هیربرت بوسه (H. Busse) در جلد چهارم *تاریخ ایران کمبریج*، مقاله «آل بویه» کلود کاهن (C. Cahen) در *دانش‌نامه ایران و اسلام*، کتاب *انسان‌گرایی در عصر رسانس اسلامی* نوشته جوئل ال. کرمر (J. L. Kraemer)، کتاب *آل بویه در بغداد* نوشته مفیض‌الله کبیر (M. Kabir)، کتاب *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه* نوشته روی پرویز متحده (R. P. Mottahedeh)، و کتاب *مجموعه مقالات آل بویه* (۱۳۹۶) بوده است. پایان‌نامه‌های متعددی نیز در دوره‌های ارشد و دکتری در این باره به رشته تحریر درآمده و مقالاتی نیز در این باره در دانش‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها تدوین شد. باین‌همه، هنوز بسیاری از مسائل این دوره برای خوانندگان ایرانی و به‌ویژه جهان عرب‌زبان شناخته‌شده نیست. کتاب *تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه* (۱۳۹۳) اثر صادق حجتی، که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، مفصل‌ترین روایتی است که تاکنون و با نگارشی توصیفی تحلیلی درباره آل بویه، البته به فارسی، به

چاپ رسیده است و شاید اگر اشکالات آن برطرف شود، یکی از آثاری خواهد بود که مناسب ترجمه به زبان‌های دیگر است و بخشی از این خلأ را پر می‌کند. در این مقاله، نگارنده در مقام داور خواهد کوشید ارزش‌ها و کاستی‌های اثر را برای خوانندگان برشمارد و امیدوار است که پا را از دایره انصاف فراتر نهد.

۲. معرفی کلی اثر

۱.۲ نویسنده

صادق حجتی (متولد ۱۳۶۳ شهر میانه، آذربایجان شرقی) پس از اخذ دیپلم علوم انسانی در همان‌جا در ۱۳۸۰ وارد دانشگاه تهران و در ۱۳۸۵ موفق به اخذ لیسانس رشته تاریخ شد. او در ۱۳۸۸ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی خود با عنوان «تاریخ سیاسی و اجتماعی خاندان دنبلی تا شورش ۱۲۱۴ ق» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران دفاع کرد. وی از سال ۱۳۹۲ تا کنون دانشجوی دکترای رشته علم همان مؤسسه بوده و عنوان پایان‌نامه دکترای او «مبانی نظری و کارکردهای فلاح‌نامه‌های دوره اسلامی (سده ۴ تا ۷ هجری)» است. برخی از کتاب‌های او عبارت‌اند از: *مساجد دیرینه‌سال تهران* (بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۸)، *امام‌زاده‌ها و تربت برخی از پاکان و نیکان*، جلد اول: تهران؛ *شمیرانات و شهر ری* (بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۸)؛ *سرگذشت بازار بزرگ تهران، بازارها و بازارچه‌های پیرامونی آن در دو بیست سال اخیر* (بنیاد ایران‌شناسی، ۱۳۸۹)؛ *حاج محمدحسن امین‌الضرب: بازرگانی نوآور و کارآفرین*، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی (۱۳۹۰). او چند مدخل دایره‌المعارفی مانند «امام‌زاده»، «جنگ‌های ایران و روس»، «افشاریه»، «عزاداری»، «حج»، «بازار»، «عاشورا»، «حسین بن علی (ع)»، «علی بن ابی‌طالب»، «مسجد»، «محمد (ص)» را برای *دانش‌نامه اسلام معاصر* نگاشته است. این آثار و عنوان پایان‌نامه دکترای او نشان می‌دهد که حوزه مطالعاتی او ابتدا ایران معاصر بوده و در سال‌های اخیر بیشتر بر تاریخ سده‌های اولیه اسلامی و به‌ویژه مسائل فرهنگی متمرکز شده است.

۲.۲ کتاب

این کتاب در سال ۱۳۹۳ به‌شکلی چشم‌نواز در ۵۱۳ صفحه و در قطع وزیری و جلد کالینگور و به‌عنوان دومین کتاب از سری پژوهش‌های نوین تاریخی بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه و در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه چاپ شده است. بدنه اصلی کتاب به‌طور کلی در

دو بخش: تاریخ سیاسی (صفحات ۴۷ تا ۲۴۸ در ده فصل) و فرهنگ و تمدن (صفحات ۲۴۹-۴۲۳ در پنج فصل) سازمان‌دهی شده است و نشان می‌دهد که نویسنده کوشیده است با پرداختن به مسائل علمی و فرهنگی برای این مباحث به اندازه مسائل سیاسی و نظامی ارزش قائل شود. لذا نیمی از کتاب را به این مطالب اختصاص داده و تاحدی به ادعای خود در سخن جدید گفتن از آل بویه (ص ۱۹) جامه عمل پوشانده است. مطالعه کتاب نشان می‌دهد که نویسنده، با تمرکز بر عمده منابع و پژوهش‌های دوره‌های مهم از تاریخ ایران و جهان اسلام، که اکثر نویسندگان از پرداختن به آن طفره می‌روند، توانسته است اثری نسبتاً فاخر با زبانی روان و پخته پدید آورد.

۳. علت انتخاب اثر برای نقد

از آن‌جاکه این اثر فعلاً جدیدترین و مفصل‌ترین تألیف به زبان فارسی و دارای روایتی یک‌دست و تقریباً نو و یک‌پارچه از هر سه قلمرو آل بویه و دربرگیرنده بیش‌تر ابعاد مربوط به آن دوره است که برای متخصصان و هم برای خوانندگان عمومی فراهم آمده است ارزیابی و نقد آن در دستورکار قرار گرفت.

۴. نقد شکلی اثر

۱.۴ روانی و رسابودن متن

جدای از اشکالاتی که در ادامه مقاله خواهد آمد، در مجموع روایت کتاب یک‌دست و استفاده از شیوه ارجاع پانویس و پرهیز از ارجاعات مکرر داخل متن سبب روانی و یک‌پارچگی آن شده است و با آن‌که بخش قابل توجهی از متون مورد مراجعه نویسنده عربی بوده او توانسته است نثر خود را در سطحی قلم بزند که با نثر و ترجمه علینقی منزوی از تجارب الامم و حمیدرضا آذیر از الکامل ابن‌اثیر، که از مهم‌ترین منابع درباره آل بویه و مورد استفاده مکرر نویسنده بوده است، برابری کند و خواننده احساس دوگانگی متنی نکند.

۲.۴ نقدهای نگارشی

اغلاط چاپی قابل توجهی به اثر راه یافته است که گاه در یک صفحه به دو سه مورد می‌رسد. در این جا به برخی موارد به ترتیب غلط و درست اشاره می‌شود: صفحه ۶۷:

گردید= گردیدند (سطر ۴)؛ روبه‌رو= روبه‌رو و (سطر ۵)؛ عل وی= علوی (سطر ۱۲)؛
 عمارت علویان= امارت علویان (سطر ۱۶)؛ صفحه ۲۸۵: آلبویه= آل بویه، کلمه وزارت
 (اضافه سطر ۱۶)، نصر= نصر (سطر ۲۰)، و دوباره = دوبار (در پانوشت ۱)؛ صفحه ۱۷۴:
 پانوشت ۴، سطر ۲ ترجمه تاریخ بیتهقی = ترجمه تاریخ یمینی.

غلطنامه کتاب تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه

ردیف	صفحه	سطر	غلط	درست
۱	۳۵	پانوشت ۱	تعالبی و از	از تعالی و
۲	۳۹	پانوشت ۲	ابویعلی فرا	ابویعلی بن الفراء
۳	۴۰	۴	بگذارند	بگذارند
۴	۵۰	۱۸	بی پرواوند	بی پرواوند
۵	۵۱	۱۰	پردیاری	بریار
۶	۵۳	۵	با اندک اشاره‌های	با اندک اشاره‌ها
۷	۵۸	۷	با در یمن	در یمن
۸	۵۸	۱۵	می‌کردند	کردند
۹	۵۸	۱۴	کردیه	کردویه
۱۰	۵۹	۲۳	احادثی	احادثی
۱۱	۶۰	۹	حرب	حربی یا اهل حرب
۱۲	۶۱	۵	آدب	آداب
۱۳	۶۳	۷	و فود	وفود
۱۴	۶۴	۲۲	پادوسیان	پادوسیان
۱۵	۶۵	پانوشت ۱	ویلفرو	ویلفرد
۱۶	۶۵	۳	تا اندازه‌های	تا اندازه‌ای
۱۷	۶۶	۲۳	مخالفتان	مخالفتان خود
۱۸	۶۷	۵	روبه‌رو	روبه‌رو و
۱۹	۶۷	۶	کرد،	کرد.
۲۰	۶۷	۱۲	عل وی	علوی
۲۱	۶۷	۱۶	عمارت علویان	امارت علویان
۲۲	۷۰	۳	برآورد	برآوردند
۲۳	۱۱۵	۱۵	۳۳۶	۳۳۸
۲۴	۱۱۹	۸	متوالی	متوالی از
۲۵	۱۱۹	۱۵	گله‌گذاری	گله‌گزاری

ردیف	صفحه	سطر	غلط	درست
۲۶	۱۲۱	۵	با روبنه‌اش	باروبنه‌اش
۲۷	۱۲۶	۱	گوگیر	گورگیر
۲۸	۱۴۵	۱۹	عضدالدوله	سپاه عضدالدوله
۲۹	۱۴۸	۴	تا به	به
۳۰	۱۶۰	۱۱	که را	که او را
۳۱	۱۶۲	۱۱	همان	حذف شود
۳۲	۱۶۶	۱۸	نهاده شد	نهاد
۳۳	۱۶۸	۸	برگذاری	برگزاری
۳۴	۱۶۲	۱۶	اما	تا
۳۵	۱۷۴	پانوشت ۴	ترجمه تاریخ بیتهقی	ترجمه تاریخ یمینی
۳۶	۱۷۵	۱۴	که	حذف شود
۳۷	۱۷۷	۱۴	زمین گیر	زمین گیر و
۳۸	۱۷۹	۲	ابوالحسن	ابوالحسین
۳۹	۱۸۷	۸	فرمان‌روایی	فرمان‌روای
۳۹	۲۰۰	۲۱	ظاهر	طاهر
۴۰	۲۰۴	سطر آخر	خلیفه و	خلیفه
۴۱	۲۰۷	۵	با	با او
۴۲	۲۱۰	۱۱	گرفتار	در همان سطر به بعد از گریز برود
۴۳	۲۱۰	سطر آخر	کالاها	کالاها و
۴۴	۲۱۴	۱۲	مه‌بابا	محابا
۴۵	۲۱۴	۲۲	اجازه و	اجازه
۴۶	۲۲۵	۱۳	سان دین	سان دیدن
۴۷	۲۲۵	۱۵	شورید	شوریدند
۴۸	۲۴۰	۱۲	وضعیّت	حذف شود
۴۹	۲۴۱	۲۴	دارالسلام	دارالاسلام
۵۰	۲۴۴	۴	شکستند	توانستند
۵۱	۲۵۲	۲۳	مقاسعه	مقاسمه
۵۲	۲۵۸	۱۸	اقطع	اقطاع
۵۳	۲۶۳	۴	بالله‌حاشیه	بالله. حاشیه
۵۴	۲۶۳	۹	ارسلهو	ارسله
۵۵	۲۶۳	۱۳	لله	لله

ردیف	صفحه	سطر	غلط	درست
۵۶	۲۷۷	۴	موازات	موازرت
۵۷	۲۷۸	۸	داشت	می داشت
۵۸	۲۷۹	۱۱	از از	از
۵۹	۲۸۰	۲	لرای	برای
۶۰	۲۸۱	۲۳	عضدالدوله	عزالدوله (احتمالاً)
۶۱	۲۸۲	۱۲	سلیمان خلال	ابوسلمه خلال
۶۲	۲۸۲	۱۳	حکمه ای	کلمه ای
۶۳	۳۰۰	۱۱	کاتبی خورد	کاتبی خرد
۶۴	۳۰۱	۱۵	فعایت	فعالیت
۶۵	۳۰۴	۱۰	دجلق	دجله
۶۶	۳۱۶	۱۴	شافت	شفاعت
۶۷	۳۱۸	۶	مظام	مظالم
۶۸	۳۳۷	۱۴	دیلمان	دیلمیان
۶۹	۳۴۰	۲	ضیاء	ضیاع
۷۰	۳۴۰	۶	انجام می شد	رسیدگی می شد
۷۱	۳۴۲	۷	خلیفه موسی پیاده	احتمالاً موسی بن بغا
۷۲	۳۴۵	۹	دیگری	حذف شود
۷۳	۳۴۵	۱۰	کند	کنند
۷۴	۳۴۵	۱۲	و	حذف شود
۷۵	۳۴۹	۲۱	فیول مقاتله	فیول مقاتله
۷۶	۳۵۱	۷	چوشیده	جوشیده
۷۷	۳۵۲	پانوشت ۳	تهاید	تحدید
۷۸	۳۵۳	۹	بوداند	بوده اند
۷۹	۳۵۳	پانوشت ۷	کرومر	کرمر
۸۰	۳۵۳	۱۱	یحی	یحیی
۸۱	۳۵۳	۱۸	آورده است	آورده اند
۸۲	۳۵۴	سطر	واو	جابه جا شود
۸۳	۳۶۰	۹	ملحم	ملهم
۸۴	۳۶۱	۱۲	نظیف النفس	نظیف القس
۸۵	۳۶۶	۳	المجسطی	بر المجسطی
۸۶	۳۶۷	۱۷	را	حذف شود

ردیف	صفحه	سطر	غلط	درست
۸۷	۳۷۱	پانوشت ۴ سطر ۳	الستخراج	الاستخراج
۸۸	۳۷۲	پانوشت ۱	توسط	توسط عده‌ای
۸۹	۳۷۹	پانوشت ۳	خراسانی	الموسوی الخراسان
۹۰	۳۸۰	۱۸	شمرده است	شمرده‌اند
۹۱	۳۸۱	۱	احترام	دارای احترام
۹۲	۳۸۱	پانوشت ۱	نام مترجم از افتاده	احمد آرام
۹۳	۳۸۲	۲۰	فراج دامنه خرد	فراخ دامنه خود
۹۴	۳۸۳	۷	تصحیح العتقاد	تصحیح الاعتقاد
۹۵	۳۸۴	۹	نماز گذارد	نماز گزارد
۹۶	۳۹۵	۱۶	المامه	الامامه
۹۷	۳۹۷	۱۰	به وی سپرد	به‌دست آورد
۹۸	۳۹۷	۲۵	در جریان	حذف شود
۹۹	۳۹۹	۱۴	مزجع	مضجع
۱۰۰	۴۰۴	۲۲	نحر	نهر
۱۰۱	۴۰۵	۱۳	به	حذف شود
۱۰۲	۴۱۰	۹	ویژهای	ویژه‌ای
۱۰۳	۴۱۲	۲۱	عتیق کاغذ عتیق	عتیق و کاغذ عتیق
۱۰۴	۴۱۲	پانوشت ۲	تو جالی	تو خالی
۱۰۵	۴۲۱	پانوشت	Tarag	Taraz (احتمالاً)
۱۰۶	۴۲۷	۲۳	حیله	حبله
۱۰۷	۴۲۸	۸	نادراند	نادرند
۱۰۸	۴۳۲	۳	صمصام السلطنه	صمصام‌الدوله
۱۰۹	۴۳۲	۸	در در	در

۳.۴ نقدهای ویرایشی

یکی از موارد مهمی که در جای‌جای کتاب باید تصحیح شود آوردن سه نقطه و باز گذاشتن مطلب پس از آن است، در حالی که در آن عبارات، نویسنده پیش از آن واژه‌هایی مانند از جمله، هم‌چون، چون، و مانند را به‌کار گرفته است. به‌عنوان نمونه او می‌نویسد: «و اطلاعاتی دربارهٔ جنس، محل ضرب، نگاشته‌های پشت و روی، وزن، و ... سکه‌هاست»

(ص ۴۱) یا «با اعزام نمایندگانی به مناطق مختلف از جمله ری، زنجان، قزوین، قوس، و ...» (۶۴، سطر ۲۲). از آنجا که باز گذاشتن انتهای مطلب با سه نقطه در یک متن علمی جایگاهی ندارد و جا را برای تفسیر باز می‌گذارد این سه نقطه‌ها باید حذف شود.

برخی اغلاط و اشتباهات دیگر راه‌یافته به متن کتاب مشکلاتی را فراهم می‌کنند و خواننده باید دوباره به اصل منابع مراجعه کند. مثلاً درباره محیط باروی شهر شیراز نزدیک به دوازده ذراع آمده است، حال آن‌که در اصل دوازده هزار ذراع است (ابن اثیر: ۱۳، ۵۷۶۹) در صفحه ۳۰۴ ابوالفرج لقب ابن‌فسانجس دانسته شده و ابوالفضل لقب عباس بن حسین شیرازی اما در سطر ۱۶ ابوالفرج لقب عباس بن حسین رقم خورده است. در صفحه ۲۰۹ به نقل از مفیض‌الله کبیر به نسخه‌ای خطی ارجاعات داده شده، اما هم در متن کتاب با عنوان «متن تاریخ‌نگاری موسوم به نسخه مونیخ» و هم در پانوشت با عبارت «نسخه تاریخ‌نگاری مونیخ» از آن یاد شده، در حالی که منظور کبیر نسخه خطی کتاب تاریخی مجهول‌المؤلفی در مونیخ است (بنگرید به کبیر ۱۳۸۱: ۳۳۰). مطلب دیگر آن‌که امروز تاریخ‌نگاری برای بررسی گفتمان‌های تاریخی به کار می‌رود و معادل Historiography است و به کتاب‌های وقایع‌نامه‌ای، که معادل آن Writing History است، اطلاق نمی‌شود؛ یعنی در صورت اطلاق نام باید متن وقایع‌نامه و نه متن تاریخ‌نگاری صحیح باشد. بنابراین، مانند خود کبیر باید بنویسیم نسخه خطی مونیخ.

در مواردی بر اثر شتاب‌زدگی تغییراتی در متن کتاب راه یافته که سبب جابه‌جایی و افزایش و کاهش حروف و کلماتی در متن شده و برخی جملات را مبهم ساخته است. مثلاً «گمان می‌رفت که با این اقداماتی از ثبات سیاسی و حکمرانی در این ناحیه ایجاد گردد» (۶۶، سطر ۱-۲). «مسکویه که خود در این آشوب‌ها شرکت داشت» (۱۲۳، سطر ۱۵) که درست آن: «که خود ناظر این آشوب‌ها بود» باشد. یا جمله «پس برای نرم کردن پدر مجلس میهمانی بدرود و برپا کرد» (ص ۱۴۷). تعارض در عبارت «و فخرالدوله فرزند ارشدش» با «بی‌اعتنایی نسبت به سفارش پدر و ارشدیت عضدالدوله» (ص ۱۸۵). یا در صفحه ۳۴۲ آمده است «پس از مرگ علی بن عیسی وزیر خلیفه موسی پیاده از سرداران سپاه» احتمالاً موسی بن بغا است. بنابراین، جملاتی از این دست به بازنویسی نیاز دارد.

برخی اسامی یا توضیحات بعد از چند بار تکرار در متن معرفی شده‌اند. مثلاً بدل بکر بن مالک در سطر ۶ ص ۱۲۰ نیامده و در سطر ۱۹ آمده است و واژه ابوکالیجار در ۱۷۳ و صفحات دیگر آمده، اما در پانوشت ۲۲۴ معنا شده است.

با این‌که کاربرد تصویر و نقشه در کتاب‌های تاریخی بسیار لازم است، اولاً در مطالب کتاب به تصاویر ارجاع داده نشده است و در برخی موارد مانند نقشه‌های ۴ (ص ۱۷۱) و ۵ (ص ۱۹۵) که با کلمه تصویر مشخص شده‌اند، می‌توان با افزودن توضیحات آگاهی‌های دقیق‌تری به خوانندگان داد. هم‌چنین، جای این دو تصویر باید تغییر یابد. ثانیاً، از آن‌جاکه قلمروها در حال تغییر و افزایش و کاهش بوده‌اند با آوردن «سال‌های» مشخص شود که نقشه ۴ مربوط به قلمرو عضدالدوله تا پیش از مرگ پدرش، رکن‌الدوله، است و گرنه باید جبال و طبرستان هم حداقل به‌عنوان قلمرو تحت نفوذ او نشان داده شود.

اشتباهاتی جزئی در تقدم و تأخر معرفی منابع یا به‌دنبال‌هم آمدن منابع می‌تواند با رعایت تقدم تاریخی و تفکیک مطالب مرتفع شود. مثلاً معرفی *الکامل ابن‌اثیر بر المنتظم ابن جوزی* مقدم شده و در مورد او، که کاملاً شناخته شده است، مفصل و البته به‌گونه‌ای عمومی مطلب آمده است. اما ابن جوزی به‌اندازه مورد نیاز معرفی نشده است. مشخصات *تجارب السلف* نیز به مطالب *المنتظم* چسبیده است (۳۴). در برخی جاها بخشی از نقل قول‌های مستقیم داخل گیومه نیست که در مورد متون کهن کاملاً واضح است، مانند بخشی از سخن عتبی در صفحه ۳۵۵.

۵. نقد محتوایی اثر

۱.۵ انسجام و نظم منطقی کتاب

۱.۱.۵ عنوان کتاب

اولین ایراد کتاب به عنوان آن برمی‌گردد. به نظر می‌رسد کاربست واژه «ایران» در عنوان کتاب دقیق نیست، زیرا اولاً واحد سیاسی ایران در دوره مورد بحث وجود نداشته و ثانیاً قلمرو آل بویه مناطق عراق و عمان را نیز در بر می‌گرفته است. بنابراین، عنوان کتاب باید به تاریخ، تمدن و فرهنگ در عصر آل بویه تغییر یابد.

۲.۱.۵ انسجام درونی متن

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب قلم عالمانه و چینش بادقت مطالب و پرهیز از گزاره‌گویی و جانب‌داری یا دشمنی در نگارش مطالب تاریخی است. نقل قول‌های زیبا و به‌جای نویسنده از آثار یا شخصیت‌های آن دوران در جای‌جای کتاب اثر را خواندنی می‌کند و نثر شیوای آن سبب می‌شود خواننده نه‌تنها با دشواری روبه‌رو نشود، بلکه مشتاق

خواندن متن شود. مؤلف به‌ویژه در بخش فرهنگ و تمدن صورت‌بندی نسبتاً خوبی به‌دست داده است. این بخش شامل پنج فصل است. فصل اول اقتصاد و نظام مالی: نظام مالی، زمین‌داری، کشاورزی، و اقتصاد تجاری را در بر می‌گیرد. فصل دوم تشکیلات و نظام اداری: وزارت وزیران، دیوان‌ها، قضاوت، حسبه، و نقابت را شامل می‌شود. فصل سوم سپاه را در دو مبحث سازمان اداری و شیوه نبرد و جنگ‌افزارها تبیین می‌کند. فصل چهارم به بحث از علوم و مواردی چون پزشکی، نجوم و ریاضیات، ادبیات و پروردگان دوره بویهی به حیات علمی و فرهنگی پرداخته است. فصل پنجم با عنوان هنر و معماری: معماری، خوش‌نویسی، منسوجات (پیوند هنر و صنعت)، و فلزکاری را در بر می‌گیرد. آنچه به‌ویژه در این بخش به چشم می‌آید آن است که نویسنده برای آغاز هر بحث کلی یا جزئی دورنما و زمینه کلی مباحث را به‌خوبی و فشرده‌گی از پیش از اسلام تا دوره آل بویه آورده است تا بتواند دست‌آوردهای دوره آل بویه را برای خواننده بهتر مجسم کند که نمونه‌هایی از آن مانند مطالب مربوط به نهاد حسبه و نقابت (۳۱۹-۳۲۲) قابل یادآوری‌اند. بااین‌همه، گاه در چینش مطالب کتاب و تیربندی‌ها اشتباهاتی صورت گرفته است یا برخی داورهای مؤلف قابل تأمل است که در زیر به مواردی اشاره می‌شود:

در بحث نقد منابع (۲۳-۴۶) در تیترها و دسته‌بندی و شماره‌گذاری منابع خطاهایی راه یافته است. مثلاً منابع تاریخی هم‌زمان با آل بویه شماره خورده‌اند و تواریخ پس از آل بویه شماره ندارند. به‌جای آن‌که تاریخ‌های عمومی و دودمانی با عدد یک شماره‌گذاری و تاریخ‌های معاصر و تاریخ‌های پس از آل بویه زیر شماره بخورند تیترا تاریخ‌های معاصر شماره ندارد و تاریخ‌های پس از آل بویه شماره ۲ دارد و گویا یک نوع خاص از منابع انگاشته شده است.

برخی از تیتراهای فصل‌های بخش سیاسی باید بازنگری شوند، زیرا باعث ازهم‌گسیختگی مطالب شده‌اند. مثلاً، تیترا فصل ششم وارثان عضدالدوله است درحالی‌که فصول هشتم و نهم هم، که عناوین دیگری دارند، درواقع به فرزندان و نوادگان او پرداخته‌اند و تیتراهای دیگری دارند وارثان اویند و نباید با فصل هفتم، که به ری پرداخته است، از هم جدا می‌افتادند. هم‌چنین، به‌جای این‌که سال‌های پایانی شاخه جبال را به‌دنبال فصل هفتم بیاورد، در وسط فصل نهم، که عنوان جانشینان بهاءالدوله دارد و از شاخه عراق و فارس سخن می‌راند، آورده شده است. بالای جدول وزیران در ۲۸۵ نیز باید اصلاح شود. نیز در تیربندی‌های فرعی گاه اشتباهاتی صورت گرفته است که از دید متخصصان این دوره پنهان نمی‌ماند. مثلاً نویسنده در صفحه ۲۹۱ ذیل ابن عمید (ابوالفضل) با جمله مبهم:

این «دو فرزند و نواده ابو عبدالله حسین ... بودند» چند خط به شرح حال پدرش می‌پردازد در حالی که خواننده ابتدا سردرگم می‌شود و می‌پندارد مراد ابوالفضل و پسرش ابوالفتح‌اند. در فصل چهارم بخش فرهنگ و تمدن (۳۵۱ به بعد) مؤلف، پس از بحث کلی، به چند شاخه علمی مانند پزشکی، نجوم و ریاضیات، ادبیات به دانشمندان مربوط به هر علم بدون تیترزدن و برجسته کردن اسامی می‌پردازد، اما در دنباله فصل با آوردن با تیتز پروردگان دوره بویه (از ۳۷۹-۳۹۹) به زندگانی شیخ مفید، مسکویه، سیدمرتضی، و سیدرضی می‌پردازد که هر کدام جداگانه هم تیتز شده‌اند و ملاک انتخاب هم خیلی روشن نیست. بنابراین، به جای شاخه‌های علمی، افراد مهم می‌شوند در حالی که بهتر بود هم‌چنان شاخه‌های علمی مبنا قرار می‌گرفت و مثلاً فلسفه و علوم دینی اصل و مسکویه و شیخ مفید و سیدمرتضی و سیدرضی و افرادی از این قبیل ذیل آن‌ها مورد بحث واقع می‌شدند. دوم این‌که کلمه پروردگان می‌تواند در بردارنده دانشمندان علوم پزشکی، نجوم و ریاضیات، و ادبیات، که پیش از این عنوان آمده‌اند، هم باشد.

در فصل دهم از بخش اول، که در آن از مناسبات خارجی آل بویه سخن رفته است، چیش مباحث به‌طور منطقی و تاریخی مورد ملاحظه قرار نگرفته است. از نظر زمانی، ابتدا باید به حمدانیان که از ۳۳۴ تا حدود ۳۶۹ با آل بویه در ارتباط بوده‌اند و سپس فاطمیان و بیزانس و دست‌آخر به غزنویان (که از ۳۸۹ بر خراسان مسلط شدند و از ۴۲۰ به بعد با آل بویه درافتادند) پرداخته می‌شد، اما چیش این‌گونه است: آل بویه و فاطمیان، آل بویه و بیزانس، آل بویه و غزنویان، آل بویه و حمدانیان.

۳.۱.۵ مشکلات مربوط به منابع و ارجاعات

مؤلف تقریباً از بیش‌تر منابع و پژوهش‌های در دسترس مربوط به سده‌های چهارم و پنجم هجری استفاده کرده است و شاید برخی مطالب برای اولین بار از منابعی غیرتاریخی استخراج و مورد ارجاع قرار گرفته‌اند. از جمله استناد به گفته تنوخی در *نشوار المحاضره* در خصوص نسب بویان (ص ۷۲) که برای تحلیل نسب‌سازی بویان، که البته مؤلف چندان به تحلیل آن نپرداخته است، می‌تواند مهم باشد. مؤلف به منابع ناشناخته دیگری مانند *الاعجاز و الایجاز* ثعالبی هم ارجاع داده است. اما در برخی موارد، به‌ویژه در مقدمات مباحث خود برای فراهم کردن زمینه لازم برای ورود به دوره آل بویه، کم‌تر ارجاع داده و شاید ضرورتی در ارجاع ندیده است. در حالی که اولاً علم از انباشت دستاوردهای دانشمندان به وجود می‌آید نه معرفت‌های فردی و ثانیاً دقت در ارجاع نویسنده را از اتهام

اخذ ایده‌های دیگران مبرا می‌کند. بنابراین، باید موارد بدون ارجاع تاحد امکان بازبینی شود، زیرا این امر بر وزن بودن هرچه بیش‌تر اثر می‌افزاید. برخی از نمونه‌های پاراگراف‌ها و مطالب بدون ارجاع عبارت‌اند از: آخر صفحه ۱۲۷. ایده مطالب بیش‌تر بخش اول مناسبات آل بویه و فاطمیان به‌ویژه صفحات ۲۳۶ و ۲۳۷ متأثر از یا عین مطالب مقاله شینول ژیاوست، اما به منابع اصلی و البته منابع دیگری هم ارجاع شده است (بنگرید به ژیاو ۱۳۹۶: ۱۴۹ به بعد). گویا نویسنده در مطالب پایانی ۲۷۰ و ۲۷۱ درباره آب‌یاری از طریق پژوهش‌های دیگران به تحلیل رسیده است، اما ارجاع به منابع اصلی انجام شده است (یحیائی ۱۳۸۹؛ یحیائی ۱۳۹۰). مطالب پاراگراف اول صفحه ۳۵۴ به‌نظر می‌رسد برداشت از دستاوردهای اثر کرامر باشد. تصاویر و زیرنویس‌های سکه‌ها در صفحات ۲۶۳ و ۲۶۴ از کتاب تردول است، اما ارجاع ندارد. در صفحه ۲۵۶ آخر پاراگراف اول باین‌که عبارت «باز در تاریخ قم شاهدیم ...» آمده است، ارجاع ندارد. مطالب پاراگراف وسط ۲۸۹ و نیز ۲۹۰ و گزارش منقول از ابن‌ندیم در ۳۵۵؛ مطلب مفصل پانوش ۲ صفحه ۳۶۴ به‌نقل از توحیدی، پاراگراف دوم صفحه ۳۶۶ به‌طور کلی و نقل از جورج سارتن به‌طور خاص ارجاع ندارند. صفحات متعددی مثل سطر اول صفحه ۲۷۷، ذیل عباراتی چون «اکثر محققان» یا داخل گیومه نبودن نقل قول مستقیم و نیز پایان همان صفحه و نقل قول از مسعودی در سطر ۴ پاراگراف آخر صفحه ۲۷۸، نقل از یاقوت و صابی صفحه ۲۷۹، پاراگراف آخر صفحه ۳۸۴، سطرهای آخر صفحه ۳۸۶، سطر ۲۱ صفحه ۳۸۴ ذیل «تذکره‌نویسان»، پاراگراف دوم صفحه ۳۸۰ و پاراگراف اول صفحه ۳۸۲، پاراگراف‌های دوم و سوم صفحه ۴۱۳ و اول صفحه ۴۱۴ و صفحات ۴۱۹ و ۴۲۷، که بخشی از مطالب یا همه آن‌ها برگرفته از صفحات ۱۳، ۱۴، و ۱۵ مقاله محمد خزایی است، ارجاع ندارند. هرچند که نویسنده گاه در همین صفحات به این مقاله ارجاع داده است.

نویسنده در بخش سیاسی، به‌ویژه بر تجارب الامم مسکویه و تاریخ ابن‌خلدون، بیش‌ازحد (گاه چندین صفحه) تکیه دارد و از ارجاع به منابع دیگر به‌ویژه منابع هم‌عصر آن زمان غفلت کرده است. مثلاً در روابط با حمدانیان از منابع نزدیک بدانان سود نجسته است (مانند صفحه ۱۴۲). یا در مطالب مربوط به قلمرو رکن‌الدوله در صفحه ۱۲۷ به مهم‌ترین منابع هم‌زمان مانند الاوراق و اخبار الراضی و المتقی صولی ارجاع نداده است. هم‌چنین منابع مهمی هم‌چون العیون و الحدائق، مرآة الزمان، سنی ملوک الارض، قابوس‌نامه، روزنامه‌چہ صاحب بن عباد، تحسین و تقبیح ثعالبی کلاً از قلم افتاده‌اند. محل تولد صاحب بن عباد طالقان دانسته شده درحالی‌که به‌منیاری و تحقیقات اخیر با قراین و استدلالات

بیش‌تری طالخانجه اصفهان را محل تولد او دانسته‌اند. هم‌چنین، نویسنده به رفتن صاحب به بغداد، که در کتاب *روزنامه‌چه* خود بدان اشاره کرده است، هیچ اشاره‌ای ندارد.

در بحث پژوهش‌های خارجی، نویسنده در مقدمات کتاب مدعی شده که اکثر مداخل مربوط به آل بویه را باسورث نوشته است. درحالی‌که برخی مقالات مانند مقاله اصلی آل بویه را تیلمان ناگل (T. Nagel)؛ برای ترجمه این مقاله، بنگرید به ناگل (۱۳۹۶) و برخی از افراد و اسامی این دوره مانند عضدالدوله را افرادی مانند کلودکاهن (C. Cahen)، میشل مزاوی (M. M. Mazzaoui)، موریس پومرانتس (M. Pomerantz)، بورگل (Ch. Bürgel)، و متحده (R. P. Mottahedeh) نوشته‌اند (بنگرید به کتاب‌نامه مقاله). هم‌چنین، با آن‌که در پانوشت ۱ صفحه ۴۵ نوشته است: مشخصات مقالات انگلیسی یادشده در بخش منابع و مأخذ آمده است، در کتاب‌شناسی از قلم افتاده‌اند (ص ۴۹۱). شایسته دقت است که علی‌رغم معرفی کوتاه از برخی آثار مانند *فردوس المرشدیه* ابواسحاق کازرونی در بخش منابع (ص ۳۶)، نه ارجاعی در داخل متن به چشم خورد و نه مشخصات آن در کتاب‌شناسی آمده است. در مواردی نیز مشخصات برخی از کتاب‌ها مانند *اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه* روی متحده که در پانوشت صفحه ۲۱۵ معرفی شده است در کتاب‌نامه از قلم افتاده است.

اشکالاتی که در شجره نسب‌ها و نمودارهای خانوادگی (ص ۸۹ و ۲۳۱) وجود دارد یکی آن است که نه گفته شده این شجره‌ها و نمودارها ترسیمی نویسنده است و نه به منبعی که از آن اخذ شده‌اند اشاره می‌شود (از آن‌جاکه مؤلف عنوان تصویر برای آن‌ها آورده است بیش‌تر این گمان را تقویت می‌کند که این صفحات به‌عنوان تصاویر از پژوهش‌های دیگر گرفته شده است). دوم سرعنوان‌های این موارد مشغوش و درهم‌ریخته‌اند و از الگوی واحدی پیروی نمی‌کنند (ص ۲۳۱). هم‌چنین، بین نمودارها و شجره‌ها و تصاویر با متن ارتباط برقرار نشده است.

عدم توجه یا ارجاع به برخی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های دکترها و برخی دیگر از منابع سبب شده است برخی ایرادات دیگر به کتاب راه یابد. مثلاً پاراگراف اول صفحه ۶۸ و تمام مطالب ۶۹ تا ۷۰ بدون ارجاع است هم می‌تواند دارای ارجاع شود و هم آشفتگی یکی پنداشتن گیل و دیلم و به‌ویژه لیلی بن نعمان سردار دیلمی، که با ارجاع به منابع متأخر مانند *تاریخ بیهقی ابن فندق* «به خاندان فولادوند از ملوک گیل و دیلم» منسوب شده، و نیز تردید در گیل یا دیلم بودن اسفار بن شیرویه با استفاده از *المنتزع هلال صابی* مرتفع شود (صابی ۱۹۷۸: ۴۴-۴۶). مثلاً عبارت «با هم‌دستی و نداد هر مزد و مصمغان از دیگر سرداران

دیلمی مخالف اعراب» (صفحه ۶۲، سطر ۱۹ و ۲۰) درست نمی‌نماید، زیرا مصمغان عنوان دینی فرمان‌روای منطقه دماوند بوده است (زرین کوب ۱۳۷۵: ۲، ۲۳). به مقالات برخی از دایرةالمعارف‌ها مانند *ایرانیکا* تقریباً کاملاً بی‌توجهی شده است (بنگرید به کتاب‌نامه).

در ذیل تصاویر مربوط به هنر آل بویه (۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱) نیز نه منبع اخذ تصاویر (که گمان می‌رود از جلد چهارم *تاریخ ایران* کمبریج گرفته شده) و نه محل نگه‌داری آن اشیا هیچ‌کدام مورد توجه و معرفی قرار نگرفته است. مورد مهم‌تر آن‌که علی‌رغم آن‌که تصویر رحل چوبی ساخته‌شده برای عضدالدوله به‌عنوان یکی از آثار هنری عصر آل بویه ارائه شده است، از این هنر هیچ صحبتی نشده است.

یکی از مزایای کتاب آوردن گزاره‌ای پرمعنا (شبهه به براعت استهلال در زبان عربی) در ابتدای هر فصل و در ارتباط با مطالب آن است، مانند این گزاره که «نیامی گنجایی دو تیغ ندارد و از کمانی دو تیر انداختن صورت نیندد» که زیر سرفصل عنوان «وارثان عضدالدوله؛ بحران جانشینی» قرار گرفته است. گاه این بندها ارجاعشان در پانویس کامل است و حتی نوشته شده در اشاره به چه مقصودی است، اما در بیش‌تر موارد صفحه مورد رجوع و مهم‌تر از آن طریق دست‌یابی به برخی از این گزاره‌ها که به‌سادگی مفهومشان دریافته نمی‌شود ذکر نشده است؛ مانند گزاره منقول در صفحه ۳۲۹ و برای اشاره به ذهن و ضمیر آمیخته به سپاهی‌گری دیلمیان در ابتدای فصل سوم که مربوط به سپاه است از *تاریخ بیهقی* بدون ذکر صفحه و بدون ذکر نام این کتاب در کتاب‌نامه. در حالی که به‌نظر می‌رسد پیش‌تر این برداشت در مقالات مربوط به آل بویه توضیح داده شده است و به‌نظر نمی‌رسد این نوشته‌ها از چشم نویسنده کتاب افتاده باشد (بنگرید به *بیهقی* ۱۳۱۷: ۱۷۳؛ یحیائی ۱۳۸۹ الف: ۸۴).

یکی از مهم‌ترین ایرادات کتاب در بخش سیاسی چگونگی برافتادن شاخه آل بویه فارس به‌دست کردان شبانکاره فارس است که شرح آن به‌روشنی در *فارس‌نامه* نویسنده تقریباً معاصرشان، ابن بلخی، آمده و مؤلف از آن کاملاً غفلت کرده است.

از آن‌جاکه نمایه هر کتابی بهترین راه‌نمای خوانندگان برای دسترسی به متن و استفاده از آن برای پژوهش‌های بعدی است، تکمیل نمایگان اسامی و اعلام از قلم‌افتاده امری بسیار ضروری است. به‌عنوان نمونه، برخی موارد مانند چین، صاحب بن عباد، ابن شهرام، کبیر، ابن العبری، و ابوعلی احمد بن عبدالرحمن مندویه از اعلامی بودند که یا به‌کلی از قلم افتاده‌اند یا فقط در یکی دو مورد صفحات مربوط در نمایه آمده‌اند. هم‌چنین، دقت در یک‌دستی چینش اسامی براساس شهرت یا جلوگیری از تکرار اعلام در نمایه رعایت نشده است.

۴.۱.۵ داوری‌های جانب‌دارانه، نارسا، و اشتباه

بالین که مؤلف در بخش نقد منابع و گاه در داخل متن به خوبی به برخی جانب‌داری‌های خواسته و ناخواسته برخی نویسندگانی، مانند مسکویه، به‌ویژه در طرف‌داری از عضدالدوله و علیه معزالدوله و شاخه عراق آل بویه یا به اشکالات و داوری‌های مغرضانه برخی منابع نقلی و تاریخی (بنگرید به هاخ مایر ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۲۶) دیگر اشاره کرده است، اتکای بیش‌ازحد خود او به این‌گونه منابع، به‌ویژه بخش تاریخ سیاسی، تاحدودی متن کتاب را تحت تأثیر قرار و گاه چهره‌ای ناامیدکننده از آل بویه به دست می‌دهد. به‌عنوان مثال، داوری درمورد معزالدوله در ۲۶۰-۲۶۱؛ و نیز داوری او درمورد بهاءالدوله تحت تأثیر ابن جوزی که البته خود مؤلف می‌نویسد: او «معمولاً دیدگاه مثبتی نسبت به بویه‌یان ندارد» (ص ۲۰۷). بنابراین، اگر خواننده پیش‌رفت‌های علمی و تمدنی دوره آل بویه را در این کتاب و منابع دیگر مطالعه نکند از خود خواهد پرسید: پس چگونه اوج تمدن اسلامی در این دوره بوده است؟ توجه‌دادن خواننده، با ارجاعات متعدد از بخش تاریخ سیاسی، به بخش فرهنگ و تمدن و مثلاً ارجاع به دستاوردهای علمی و اصلاحات مالی بوزجانی به‌ویژه ۳۷۱ و اقدامات متعدد عضدالدوله و صاحب بن عباد در صفحات متعدد یا ارجاع به مقالات و پژوهش‌های دیگران در پانویس‌ها راه‌کار برون‌رفت از شکل‌گیری چنین تصویر نادرست و ناقصی از آل بویه خواهد بود.

برخی داوری‌های نویسنده جای تأمل دارد، مانند این مطلب که «به‌خلاف تحولات فرهنگی که در اثر چیرگی آل بویه بر خلافت عباسی پدید آمد سازمان اقتصادی آنان در مقایسه با عصر قدرت خلفا و امرای دیگر تغییر چندانی نداشت» (ص ۲۵۱). به‌نظر می‌رسد فقط توجه به دو سه مسئله سخن مؤلف محترم را به‌چالش می‌کشد: یکی گسترش بیش‌ازحد اقطاع و یکی رشد درآمدهای سرشار از بازرگانی در عهد عضدالدوله و سه دیگر یک‌پارچگی دوباره بخش مهمی از سرزمین‌های مرکزی جهان اسلام حداقل برای نیم‌سده در عصر آل بویه (یحیائی ۱۳۸۹ ب). یا عبارت: «در دوره جدید سرزمین‌های شمالی ایران پناهگاهی برای اقوام و اندیشه‌ها، عقاید ضاله، و آداب و رسوم اجتماعی کهن و باستانی ایران گردید» (ص ۶۱، سطر ۵). در این‌جا، ملاک برای عقاید ضاله چیست؟ هم‌چنین مطالب مربوط به گرویدن ابوکالیجار در سال ۴۳۵ به دعوت اسماعیلیان، که با عبارت: «به‌دنبال رخدادهای اشاره‌شده و برای جلوگیری از تحركات بعدی قادر بالله، خلیفه عباسی ...» ادامه می‌یابد، مقدم بر قدح نسب فاطمیان در ۴۰۲ جلوه داده می‌شود (ص ۲۳۹). در ص ۲۲۸،

به نقل از *فارس نامه* ابن بلخی و به اشتباه، ابونصر بن عمران و مؤید فی الدین شیرازی دو نفر تلقی شده‌اند در حالی که در *فارس نامه* فقط از ابونصر بن عمران نام برده شده است (ابن بلخی ۱۳۸۴: ۱۱۹) و برخی محققان امروزه می‌گویند وی همان مؤید فی الدین است. همان‌طور که گفته شد، نویسنده در بیش‌تر مطالب و مباحث کتاب تقریباً منصفانه داوری کرده است، اما در موارد معدودی با شَم عبرت‌گرایی و با عباراتی مانند: «غافل از آن‌که هر کسی در این سرای آمد و نقشی بست» بعد از روایتی از ابوجاء قمی در تداوم دولت سلجوقی «تا قیام الساعة» (در صفحه ۲۳۱) گویا نتوانسته است احساسات خود را مداخله ندهد. شاید یکی از دلایل آوردن حکایات مستقیم، به‌عنوان شواهد مثال، در برخی فصول و مباحث نیز ناشی از همین حس نویسنده بوده است.

گفته شد که برخی اصطلاحات، مانند ایران، مربوط به آن دوره نیست. هم‌چنین صمصام‌الدوله که در همه‌جای کتاب به همین شکل به‌کار رفته در سطر ۳ صفحه ۴۳۲ در معرفی مشربۀ مطلای منسوب به وی «صمصام‌السلطنه» نوشته شده است که اگر این کلمه در خود آن اثر آمده باشد، شاید یکی از علائم جعل باشد و اگر سهوی است، باید اصلاح شود. مؤلف محترم اظهار نظر کرم در مورد امامی بودن آل بویه را مورد تردید قرار داده است. این نگارنده نیز زمانی دراز به دنبال کتیبه‌ای بود که گفته می‌شد عضدالدوله در آن به سال ۳۶۳ ق در تخت جمشید نام دوازده امام را آورده است و، به‌استناد آن، کرم‌ر به‌نقل از بورگل نوشته بود آل بویه دوازده امامی بوده‌اند. اما هرچه پیش‌تر گشتم کم‌تر یافتم. اما از قضا اخیراً از طریق دانشمند عزیز، جناب آقای پاکتچی، به رونوشت این کتیبه در مجموعه‌ای در آلمان دست یافتم که آدرس آن در پانوشت و کتاب‌نامه خواهد آمد (Repertoire Chronologique des Epigraphes Arabes: vol. 5, 102). هر چند که نتوانستم بفهمم آیا این کتیبه از روی کتیبه‌ای در تخت جمشید نوشته شده است یا نه.

۶. نقاط مثبت دیگر کتاب

به برخی از ویژگی‌های مثبت کتاب در مباحثی که نقاط منفی کتاب برشمرده می‌شدند اشاره شد. در ذیل به چند مورد دیگر از نقاط مثبت آن اشاره می‌شود.

۱. ترکیب ارم ناشر، تصاویر سکه‌ها، و تصویر زیبای ظرف منقوش منسوب به سده چهارم و پنجم قمری (ساخت ساری) که پرنده‌ای زیبا بر آن نقش بسته و نیز رنگ‌بندی و فونت عنوان دورنمای جلد کتاب را چشم‌نواز کرده است.

۲. باین که ایراداتی بر ویرایش کتاب وارد دانسته شد و اغلاط آن را متذکر شدیم، حروف چینی و چشم‌نوازی کتاب درخور تقدیر و سپاس است.
۳. تقدیم اثر از سوی ناشر محترم به پیش‌گامان پژوهش این دوره از تاریخ، هنری فردریک آمدروز و علی‌اصغر فقیهی که اولی با چاپ *تجارب الامم* مسکویه به‌عنوان مهم‌ترین اثر مربوط به دوره آل بویه خدمتی بزرگ انجام داد و راه را بر فهم این دوره گشود و دومی با غور در منابع عربی دشوار و نوشته‌های چندگانه خود جزو پیش‌گامان مطالعات آن دوره بود و چراغ پژوهش در مورد این سلسله در ایران و به زبان فارسی را برافروخت، نیز اقدامی ارزشمند است.
۴. چاپ کتاب از سوی ناشر معتبری که گروهی از استادان دانشگاه جزو سرویراستاران، ناظران، و مشاوران علمی آن هستند از مزیت‌های دیگر کتاب است.
۵. تلاش مؤلف در آوردن پیوست‌های انتهای کتاب (۴۳۳-۵۷۳۳)، شامل گزیده‌هایی از مکتوبات و فرمان‌های مهم، که در واقع نمونه‌ای از اسناد و متون نفیس دوره آل بویه‌اند، ستودنی و از مزیت‌های دیگر کتاب است و رنج ترجمه این متون شایسته تقدیر است.
۶. ارائه گاه‌شمار رویدادها در بیست صفحه (۴۵۹-۴۷۹) به‌طور مسلم کمک شایانی به خوانندگان در به‌ذهن‌سپاری و درک حوادث متعدد در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ جهان اسلام خواهد کرد.

۷. نتیجه‌گیری و پیش‌نهادات

کتاب تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه گرچه مسئله‌محور نیست، در مجموع گردآوری توصیفی - تحلیلی روان و نسبتاً منصفانه‌ای از مطالب و مسائل مهم مربوط به دوره آل بویه است. با این همه، مطالب بسیار دیگری وجود دارند که می‌توانند مورد بحث واقع شوند. مثلاً با آن که مطالب مستوفایی در فصل ریشه‌ها درباره خاستگاه و قومیت دیلمیان نوشته شده است، هیچ اشاره‌ای به برخی تلاش‌های آل بویه برای نسب‌سازی خود و پیوند دادن نسب خود از طریق ساسانیان و بهرام گور به عرب‌ها و از آن طریق تا حضرت ابراهیم یا منابع طبیعی و جغرافیای تاریخی منطقه دیلم خاص و زمینه‌های اقتصادی‌ای که سبب پراکندگی مهاجرت دیلمیان و روی آوردن آنان به نظامی‌گری و مزدورشدن در قبل از آل بویه شد نکرده است (بنگرید به یحیائی ۱۳۸۹ الف: ۶۷-۱۰۲). هم‌چنین، جای مسائل مربوط به تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری، معماری عمومی شهرها و روستاها، مسائل مربوط به

اندیشه‌های سیاسی و فلسفی خالی است. اما از همه مهم‌تر در بخش فرهنگ و تمدن از افراد دیگری مانند ابوعلی سینا، که نماد این دوره قلمداد می‌شود و حتی مدتی در همدان وزیر آل بویه بوده، فقط در چند سطر نام برده شده و در گاه‌شمار رویدادها (ص ۴۷۶) به اسم و سال فوت او به‌عنوان حکیم این دوره اشاره شده است. نیز به یکی از مهم‌ترین نمادهای معماری آل بویه یعنی مسجد جمعه اصفهان که حداقل دو کتاب مفصل از سوی باستان‌شناسان ایتالیایی در مورد آن چاپ شده (گالدیری ۱۳۷۰؛ گالدیری بی‌تا) هیچ اشاره‌ای نشده است. سیاست مذهبی آل بویه، گذشته‌گرایی آل بویه، مسائل مربوط به اقلیت‌ها، و تجارت با مناطق دوردست تا هند و چین از مباحث دیگری است که از پرداختن به آن‌ها غفلت شده است. نیز در بخش روابط فاطمیان به مسائل گوناگون دیگری مانند رقابت‌های دریایی و مهاجرت بازرگانان به دریای سرخ و مدیترانه (بنگرید به خلیفه ۱۳۸۵) پرداخته نشده است. هم‌چنین مناسبات آل بویه با صفاریان، سامانیان، زیاریان، و سلجوقیان به‌عنوان مباحثی مستقل در این فصل دهم از بخش اول کتاب از قلم افتاده است. علاوه‌براین، کتاب در ارجاعات و کمابیش در مسائل ویرایشی و نگارشی دارای ایرادهایی است که باید به رفع آن همت گمارده شود. شاید یکی از مهم‌ترین ایرادات کتاب بهره کم آن از منابع مستشرقان به زبان انگلیسی است. در پایان، ضمن آرزوی توفیق برای نویسنده کتاب، یادآور می‌شود که بی‌گمان برشمردن این خطاها چیزی از اهمیت و ارزش این اثر نمی‌کاهد و گرچه این اثر مانند همه آثار دیگر تاحد زیادی مدیون پژوهش‌های نویسندگان پیش از خود، به‌ویژه تحت‌تأثیر اثر مفیض‌الله کبیر و جوئل ال کرمر است، در برخی موضوعات مطالبی نو دارد و در مجموع پیش‌نهاد می‌شود، به‌عنوان کمک‌درسی در دوره‌های ارشد و دکترا، معرفی و حتی به زبان‌های دیگر ترجمه شود.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر (۱۳۸۵)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
- ابن الجوزی، ابوالمظفر یوسف بن قزاوغلی سبط (۱۴۲۲ق)، *مرآة الزمان، الجزء الثانی عشر (۴۴۷-۴۵۲)*، درسه و تحقیق فهیمی سعد، بیروت: عالم الکتب.
- ابن بلخی (۱۳۸۴)، *فارس‌نامه*، تصحیح گای لسترنج، تهران: اساطیر.
- ابن عباد (۱۹۵۸)، *الروزنامه*، آل یاسین، بغداد: دارالمعارف للتألیف و الترجمة و النشر.
- اصفهانی، حمزه بن الحسن (۱۳۴۶)، *سنی ملوک الارض و الانبیاء*، بی‌جا.
- بوسه، هیربرت (۱۳۶۳)، *تاریخ ایران کمبریج (۴)*: از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، تهران: امیرکبیر.

- بیهقی، ابوالحسن علی بن زید (۱۳۱۷)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۴)، *دیلمیان در گستره تاریخ ایران (حکومت‌های محلی، آل زیار، آل بویه)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد (۱۳۸۵)، *تحسین و تصحیح ثعالبی*، ترجمه محمد بن ابی بکر بن علی ساوی، تصحیح عارف احمد الزغول، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حجتی، صادق (۱۳۹۳)، *تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- خزایی، محمد (۱۳۸۱)، «ارزش‌های هنری قرآن منحصر به فرد ابن‌بواب در کتاب‌خانه چیستریتی شهر دوبلین»، *مطالعات اسلامی*، ش ۵۵.
- خلیفه، مجتبی (۱۳۸۵)، «تجارت در ایران دوره سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹/۱۱۹۴-۱۰۳۸)»، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۳)، *تاریخ مردم ایران*، تهران: امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، *روزگاران*، تهران: سخن.
- ژیوا، شینول (۱۳۹۶)، «روابط سیاسی فاطمیان و آل بویه در زمان خلافت العزیز بالله فاطمی»، ترجمه علی یحیائی و محمدرضا مصباحی، *مجموعه مقالات آل بویه*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- صایب، ابراهیم بن هلال (۱۹۷۸)، *المنتزع من الجزء الاول من الكتاب المعروف بالتاجی فی اخبار الدوله الدیلمیه، در اخبار ائمه زیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان*، فیلفرد مادیلونج، بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقيه.
- صولی، ابوبکر محمد بن یحیی (۱۹۹۹)، *قسم من اخبار المقتدر بالله العباسی (سنه ۲۹۵-۳۱۵ من کتاب الاوراق)*، دراسه و تحقیق خلف رشید نعمان، بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.
- العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق (۱۹۷۲)، *الجزء الرابع، القسم الاول (۲۵۶-۳۲۹ ق)*، تحقیق عمر السعیدی، دمشق: المعهد الفرنسي.
- العیون و الحدائق فی اخبار الحقائق (۱۹۷۳)، *الجزء الرابع، القسم الثاني (۳۲۱-۳۵۰)*، تحقیق نبیله عبدالمنعم داود، بغداد: مطبعة الرشاد.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۵۷)، *آل بویه و اوضاع زمان ایشان*، گیلان: صبا.
- قابوس بن وشمگیر زیاری، *عنصر المعالی کیکاوس بن اسکندر (۱۳۶۴)*، *قابوس‌نامه*، به اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کبیر، مفیض‌الله (۱۳۸۱)، *آل بویه در بغداد*، ترجمه مهدی افشار، تهران: رفعت.
- کرمر، جوئل ل. (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کاهن، کلود (۱۳۵۴)، «آل بویه»، *دانش‌نامه ایران و اسلام*، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

بررسی و نقد کتاب تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در عصر آل بویه ... ۳۵۷

گالدیری، اوژن (۱۳۷۰)، مسجد جامع اصفهان، ترجمه عبدالله جبل عاملی، اصفهان: مرکز میراث فرهنگی.
گالدیری، اوژن (بی تا)، مسجد جمعه اصفهان در دوره آل بویه، ترجمه حسینعلی سلطانزاده پسیان، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

متحده، روی پرویز (۱۳۸۸)، اوضاع اجتماعی در دوره آل بویه، ترجمه محمدرضا مصباحی و علی یحیائی، مشهد: خانه آبی.

متز، آدام (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (رنسانس اسلامی)، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.

مسکویه رازی (۱۳۷۶)، تجارب الامم، جلد‌های ۵ و ۶، ترجمه علینقی منزوی، تهران: توس.
مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۴۵)، فرمان‌روایی و قلمرو دیلمیان، ترجمه جهانگیر قائم‌مقامی، بررسی‌های تاریخی، س ۱، ش ۱، ۲، و ۴.

ناگل، تیلمان (۱۳۹۶)، «آل بویه»، ترجمه علی یحیائی، مجموعه مقالات آل بویه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

هاخ مایر، کلاوس یو (۱۳۹۶)، «نامه‌های شخصی، مکاتبات رسمی، دیوان رسائل آل بویه به‌عنوان یک منبع تاریخی»، ترجمه علی یحیائی، مجموعه مقالات آل بویه، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

یحیائی، علی (۱۳۸۹ ب)، «ساختار اقتصاد آل بویه»، پایان‌نامه دکتری، ایران: دانشگاه اصفهان.

یحیائی، علی و دیگران (۱۳۸۹ الف)، «تأثیر اوضاع سرزمین دیلم و علویان طبرستان بر ظهور آل بویه با تأکید بر پیش‌زمینه‌های اقتصادی»، مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، س ۴۲، ش ۸۴.

یحیائی، علی و دیگران (۱۳۹۰)، «آب و آب‌یاری در عهد آل بویه»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۵.

BürgeI, Ch. and R. Mottahedeh (1998), "AZOD-AL-DAWLA, ABŪ ŠOJĀ' FANNĀ KOSROW", *Iranica*.

Cahen, Claude (1982), "ABBĀS B. ḤOSAYN", *Iranica*.

Cahen, Claude (1983), "ABU'L-RAYYĀN EŠFAHĀNĪ", *Iranica*.

Cahen, Claude (2002), "MO' EZZ-AL-DAWLA", *Iranica*.

Mazzaoui, M. M. (1982), "ĀBĪ, ABŪ SA'ĪD", *Iranica*.

Nagel, Tilman (1990), "Buyids", *Iranica*.

Pomerantz, Maurice (2011), "MOHALLABI, Abu Moḥammad al-Ḥasan b. Moḥammad b. Hārūn", *Iranica*.

"Repertoire Chronologique des Epigraphes Arabes", ed. Comb, *Levi-Provençal*, vol. 5.